



نظر علامه محمد قزوینی درباره نسخه دیوان حافظ

(به خط سلطان محمد تایبادی، کتابت ۱۰۶۰ق)

شادروان دکتر مهدی بیانی در معرفی سلطان محمد تایبادی و تنها اثر شناخته شده او چنین نوشته است: «سلطان محمد تایبادی از کاتبان گمنام قرن یازدهم است و به خط وی یک نسخه دیوان سلمان ساوجی دیده‌ام، به قلم کتابت متوسط، با تاریخ و رقم: تمت الکتاب... تحریراً فی تاریخ شهر رجب المرجب سنه ۱۰۶۵، کتبه المذنب سلطان محمد تایبادی»^۱.

این بنده چیزی بیشتر از این نمی دانم، نسخه‌ای از دیوان حافظ به خط این شخص در کتابخانه دکتر اصغر مهدوی نگهداری می‌شود، و یادداشتی از مرحوم علامه قزوینی درباره این نسخه در میان اوراق آن موجود است. این نسخه مدتی در تملک عبدالرشید دیلمی (د ۱۰۸۱ق) از خوشنویسان شهر خط نستعلیق بوده است. اثر مهر وی با سجع «بنده شاه جهان عبدالرشید دیلمی» بر ورق بدرقه نسخه قابل رؤیت است. از خانواده آن استاد فقید و دوستم سید ابراهیم اشک شیرین سپاسگزارم که تصویری از نامه علامه محمد قزوینی و انجامه نسخه را در اختیارم قرار دادند.

از استادان نامدار و پژوهشگران ارجمند انجمن خوشنویسان ایران هم تمنا دارم تا اگر درباره سلطان محمد تایبادی اطلاعی دارند مرقوم فرمایند، جملگی ممنون ایشان خواهیم بود.^۲

نادر م. کاشانی



۱/۴ / ۲ سوم ۲ (کذا)

دوست عزیز محترم، نسخه حافظ را که اعاده دادم به نظر اینجانب بسیار بسیار نسخه خوب، کامل، مصحح مضبوطی می‌آید و من از خط چندان سررشته ندارم ولی گمان می‌کنم که خطش هم یکی از درجه‌های اوّل خط خوش نستعلیق آن عصر یعنی سیصد سال پیش است. و حسن بسیار بسیار بارزش این است که اولاً فوق آنچه به وصف بیاید پاکیزه نگاه داشته شده است مثل اینکه همین دیروز از زیر دست کاتب بیرون آمده است؛ و ثانیاً آنکه به کلی کامل و تمام است. از اول و آخر که تمام است، از اواسط هم تا جائی که من مستعجلاً مرور کردم نقصانی به نظرم نرسید ولی شاید از نظر من فوت شده باشد. و از حیث صحّت و قدّم کلمات و عوض نشدن آنها با اصطلاحات مستحدثه نسخ جدید نیز تا آنجا که اینجانب تتبع کردم آلاً ما شد و ندر بسیار متقن و از جنس نسخ خلخالی و نخجوانی و آقای مرآت است و بر آنها مزیت واضحی که دارد این است که نسخه فوق العاده Luxe و فوق آنچه به تصور بیاید پاکیزه است و از جمیع نسخ حافظ سرکار که من دیده‌ام پاکیزه‌تر و تجملی‌تر و قطعه‌تر است. اگر پول حاضر دارید و از راه‌های دیگر مانع ندارید این نسخه را تا آنجا که ممکنتان باشد از دست ندهید که سه عدد اسکناس کثیف بی‌قدر کم ارزش در مقابل این گنج حسن و جمال ظاهری و معنوی بسیار ناچیز است و بعدها پشیمانی خواهید خورد. باقی اختیار با خود شماست.

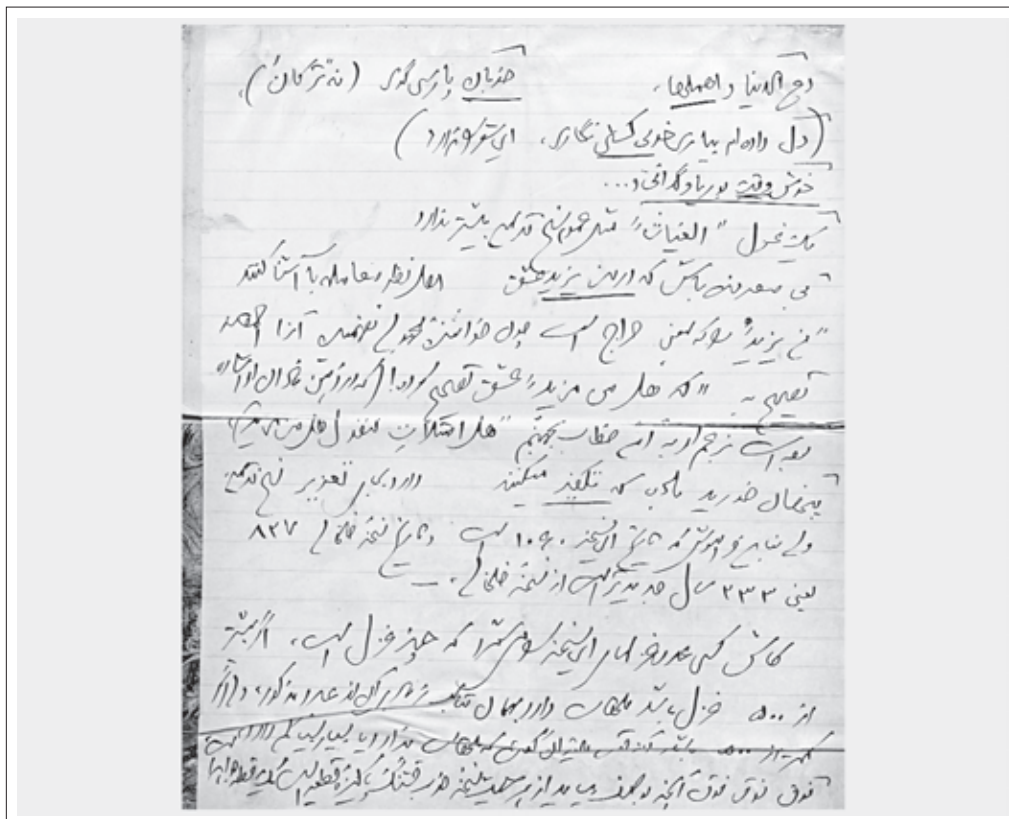
ارادتمند - محمد قزوینی

^۱ احوال و آثار خوشنویسان، ۴۶-۱۳۴۵، ۱: ۲۶۷، ش ۳۸۲. همچنین در کتاب احوال و آثار نقاشان قدیم ایران تألیف استاد محمدعلی کریم‌زاده تبریزی تا آنجا که تفحص کردم چیزی درباره او نیافتم.

^۲ در آخرین لحظات بستن مجله، دوست هنرمند و هنرشناس آقای حمیدرضا قلیچ‌خانی مرا از وجود دو نسخه دیگر به خط سلطان محمد تایبادی آگاه فرمودند. از لطفشان بسیار سپاس دارم. در نامه خود مرقوم فرموده‌اند که اصل این دو نسخه در دانشگاه آن آربر میشیگان نگهداری می‌شود؛ و آن عبارت است از: هفت اورنگ جامی، نستعلیق، ۱۰۶۰ق؛ دیوان خاقانی، نستعلیق، ۱۰۶۶ق.

یادداشت علامه قزوینی چسبانده شده بر نسخه دیوان حافظ مورخ ۱۰۶۰ق

- دع الدنيا واهملها.
- خوبان پارسی گوی (نه «ترکان»).
- (دل داده ام بیاری خوبی کشی نگاری، این شعر را ندارد)
- خوش وقت بوریا و گدائی و ...
- یک غزل «الغیث» مثل عموم نسخ قدیمه بیشتر ندارد.
- بی معرفت مباش که در من یزید عشق اهل نظر معامله با آشنا کنند
- «من یزید» را که به معنی حراج است چون خواننده مجهولی نفهمیده آن را احمقانه تصحیح به «که هل من مزید» عشق تصحیح کرده! که در ذهن نادان او اشاره بوده است به زعم او به آن خطاب به جهنم «هل امتلات فتقول هل من مزید».
- پنهان خورید باده که تکفیر می کنند دارد به جای تعزیر نسخ قدیمه.
- ولی نباید فراموش [کرد] که تاریخ این نسخه ۱۰۶۰ است و تاریخ نسخه خلخالی ۸۲۷ یعنی ۲۳۳ سال جدیدتر است از نسخه خلخالی.
- کاش کسی عدد غزل های این نسخه را می شمرد که چند غزل است. اگر بیشتر از ۵۰۰ غزل باشد ملحقات دارد به همان تناسب زیاد بر آن از عدد مذکور. ولی اگر کمتر از ۵۰۰ باشد آن وقت می توان گفت که ملحقات ندارد یا بسیار بسیار کم دارد.
- فوق فوق آنچه به وصف می آید از هر حیث نسخه خوب قشنگ و پاکیزه قطعه ایست. یک قطعه جواهر است.



یادداشت علامه محمد قزوینی چسبانده شده بر نسخه دیوان حافظ، کتابت ۱۰۶۰ق (از مجموعه دکتر اصغر مهدوی).

۱۵۷

ای ساید سبقت بسین پرورد	یا تو که در عدل پرورد
مچون لب خودم نام جان می پرورد	را که در کتب ان پرورد
مرودم زلم ز پر باره در کست	در دید من حیدر خاد کست
من عهد عیبکم قصای کویه	برون کجاست کاری در کس
بامردم سبک بدنی باید بود	در پاید دیو و دستانه باید بود
منقول معاش خودنی باید شد	مغز و عقل خودنی باید بود
کلمه که لب گفت لبم آسجیات	کلمه همت گفت نه می چشایست
کلمه سخن تو گفت حافظ کفا	شادی همه لطیفه کویان صلوات
<p>تس الکتاب عنایت الملك اکرم الوهاب کتب مشهوره حسن الهجرة النبویه صل صلواته و کماله کبریا عبد الله بن علی بن ابي طالب علیه السلام</p>	